

نقش میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات در ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی (مورد مطالعه: شهرستان طارم)

سید علی بدری^۱

مسعود انبارلو^۲

زهرا ملک جعفریان^۳

چکیده

آگاهی اندک مدیران از قوانین و مقررات حوزه عملکردی خود، یکی از چالش‌های اساسی مدیریت روستایی در دستیابی به مدیریت مطلوب است. در این مطالعه تلاش می‌شود نقش میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات در ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی مورد کنکاش قرار گیرد. تحقیق حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی از طریق سنجش نظرات ۳۸ تن از دهیاران که به صورت نمونه تصادفی از میان سکونتگاه‌های روستایی شهرستان طارم انتخاب شده‌اند، صورت گرفت. سطح برخورداری سکونتگاه‌های روستایی به عنوان پیش نیاز انتخاب نمونه‌ها و برابری از تأثیر گذاری مدیریت مطلوب با استفاده از مدل تاپسیس انجام شد. سپس ارتباط سه سطح حاصل از سنجش توسعه با میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات در قالب پنج نظام اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، فیزیکی-کالبدی و نهادی تحلیل شد. همچنین برای سنجش متغیر مدیریت مطلوب روستایی نیز از چهل شاخص در قالب نظام‌های

۱- دانشیار دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران

Email: sabadri@ut.ac.ir:

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۳- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

پنج‌گانه استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد بین سه مولفه نهادی، اجتماعی و اقتصادی میزان آگاهی از قوانین و مقررات و سه مولفه نهادی، اجتماعی و اقتصادی ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی رابطه معنادار و همبستگی نسبتاً قوی وجود داشت. به طور کلی سه مولفه نهادی، اجتماعی و اقتصادی توانسته‌اند به ترتیب ۲۹/۱ درصد، ۱۴/۵ درصد، ۱۵/۲ درصد از تغییرات درونی سه مولفه نهادی، اجتماعی و اقتصادی مدیریت مطلوب را تبیین کنند. در عین حال تأیید رابطه بین سطح توسعه یافتگی روستاها و میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات و مدیریت مطلوب روستایی، نشان می‌دهد که با بالا رفتن سطح توسعه یافتگی روستاها، میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات و همچنین مدیریت مطلوب روستایی نیز به میزان قابل قبولی بهبود می‌یابد. در واقع نتایج تحقیق نشان دادند که سطح توسعه یافتگی روستاها در بالا رفتن آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات روستایی و همچنین ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی تأثیر گذار است. همچنین راهکارهایی در جهت ارتقاء آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات حوزه عملکردی ارائه شد.

واژگان کلیدی: قوانین و مقررات، دهیاران، مدیریت مطلوب روستایی، روستاهای

شهرستان طارم.

مقدمه

نیل به اهداف توسعه روستایی معمولاً دارای ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. وجود ساختارهای مناسب اداری، سازوکارهای قانونی، تأمین اعتبار و بودجه لازم و وجود کارشناسان خبره در بیرون از روستا، مستلزم فراهم شدن شرایطی مناسب برای اداره امور در درون است. مدیران روستایی می‌بایست ضمن انتقال مطالبات مردم روستا در زمینه توسعه روستایی به مسئولین مربوط، جاذب امکاناتی باشند که برای روستا منظور شده است. این حلقه اتصال مقتضیات درون

روستا با آنچه در بیرون از روستا به نام روستا و توسعه روستایی شکل می گیرد؛ به انضمام اداره امور داخلی روستا مجموعاً چارچوب مدیریت روستایی را شکل می دهد. برای تحقق اهداف توسعه روستایی، نیاز به مدیریت محلی احساس می شود تا بتواند با بررسی و شناسایی مشکلات روستا بهترین راه حل های ممکن را برای توسعه جامعه روستایی عملیاتی نماید (اشرف زاده، ۱۳۸۸: ۲ به نقل از عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱). دهیاری ها و بررسی عملکرد آنها در توسعه روستایی یکی از موضوعات مهم در حوزه مدیریت روستایی است. از زمان شکل گیری دهیاری ها تاکنون حدود یک دهه گذشته است؛ حال پس از گذشت بیش یک دهه از فعالیت دهیاری ها، ارزیابی و تحلیل عملکرد آنها در دستیابی به اهداف توسعه روستایی مسئله ای مهم و قابل بررسی است (شیخی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸). دهیاری ها از بدو تشکیل تاکنون با استفاده از همیاری و مشارکت مردم و کمک های دولتی برای رفع نیازمندی های عمومی، جمع آوری زباله، ارائه خدمات عمومی و توسعه معابر اقداماتی انجام داده اند. اجرای طرح هادی، برنامه خدمات عمومی و برنامه خدمات اجتماعی - اقتصادی، سه فعالیت عمده دهیاری ها را تشکیل می دهد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

«سند زیربخش مدیریت روستایی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی» مدیریت روستایی را « فرایند تقویت توسعه پایدار روستایی به منظور فراهم سازی زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت تر و کارآمد روستائیان به تناسب ویژگی های اجتماعی - اقتصادی و سطوح متفاوت جامعه، تعریف می کند. در قالب این تعریف کلی می توان اهداف خردی همچون، نوسازی و بهسازی محیط فیزیکی روستایی، هدایت و نظارت بر فرایند عمران روستایی و ارتقاء شرایط کار و زندگی را برای مدیریت روستایی در نظر گرفت (سند زیربخش مدیریت

روستایی برنامه چهارم، ۱۳۸۳: ۲). با توجه به اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاری‌ها (مصوب هیات وزیران) وظایف متنوعی بر عهده دهیاران واگذار شده است. پیشبرد مطلوب و به ثمر رساندن اهداف مستمر در این مجموعه وظایف، می‌طلبد تا دهیاران از توانمندی‌ها و آگاهی‌های لازم برخوردار بوده و در عین حال ابزار لازم برای به روز نگهداشتن اطلاعات در حوزه کاری خود داشته باشند. دهیاران تنها هنگامی می‌توانند نقش تعیین کننده خود را در بهبود امور روستاها به انجام رسانند که علاوه بر آگاهی از اهداف بنیادی سازمان، به صورت مستمر وظایف متنوع و متعدد مدیریت اجتماعی، اقتصادی و توسعه‌ای را دریافت کنند (موسوی و رزندی، ۱۳۹۰: ۴۳). یکی از مشکلات اساسی در مدیریت روستایی کمبود و در برخی مواقع عدم آشنایی و مهارت مدیران روستایی در خصوص آگاهی از وظایف خود در روستا است. در واقع دهیاران از قوانین و مقررات حوزه عملکردی و وظایف خود آشنایی زیادی ندارند. این عامل سبب می‌شود که دهیاری‌ها با توجه به توسعه و پیچیدگی جوامع روستایی به لحاظ تنوع در نیازهای افراد و نیز محصولات تولیدی، مدیریت سنتی گذشته را غیر کارآمد ساخته و سازو کارهای قدیمی مدیریت در روستاها پاسخ‌گوی مدیریت پیچیده آن‌ها نباشد. در این میان نقش ارتقای سطح آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات قابل بحث و بررسی خواهد بود. در واقع پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این دو سوال است که بین میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات و مدیریت مطلوب روستایی چه رابطه‌ای وجود دارد؟ همچنین بین سطح توسعه‌یافتگی روستاها و میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات حوزه عملکردی خود و مدیریت مطلوب روستایی چه رابطه‌ای قابل تصور است؟

میانی نظری

بر اساس توسعه پایدار، یکی از سرمایه‌های مهم زندگی انسانی که باید در حفظ و مراقبت از آن تأکید ویژه شود، همان حقوق افراد انسانی در جامعه است. از سوی دیگر، مفهوم توسعه پایدار؛ به مثابه تلاش برای رعایت و به رسمیت شناختن حقوق انسان‌ها و مکان‌ها، کرامت انسانی و عدم تبعیضی مکانی، گذار از ناآگاهی به آگاهی، از عقل ستیزی به عقل باوری، و از نادانی به دانایی، یادگیری اجتماعی، گفت‌وگو و عمل نهادی مشترک است (پور طاهری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۷ به نقل از فاضلی نیا، ۱۳۸۳: ۵). دانش در معنای عام عبارت است از ترکیبی سیال از تجارب، ارزش‌ها و اطلاعات زمینه‌ای که به صورت منسجم و یکپارچه، چارچوبی را برای ارزیابی و کسب تجارب و اطلاعات جدید فراهم می‌آورد. این دانش از ذهن افراد جامعه سرچشمه می‌گیرد و توسط آن‌ها به کار گرفته می‌شود. اهمیت دانش و اطلاعات برای دستیابی به شرایط بهینه در هر زمینه‌ای آشکار است. در واقع قدرت در جایی ظهور می‌یابد که دانش و اطلاعات در آن‌جا حضور داشته باشد. افزون بر این، توانمندی، ظرفیت‌سازی و مشارکت که از پایه‌های اصلی شهر و روستای مطلوب‌اند بر اهمیت دانش و آگاهی در زمینه‌های متعدد تأکید فراوان دارند. به عبارت دیگر، دانش مانند ابزاری برای غلبه بر موانع مدیریتی و اجرایی به کار گرفته می‌شود. بدین ترتیب، ارتقای دانش حقوقی در مسائل شهری و روستایی می‌تواند عامل مؤثری برای رفع موانع موجود مقابل مشارکت شهروندان در امور اداره شهر و روستا باشد. به عبارت دیگر، دانش حقوقی افزون بر رشد آگاهی‌های شهروندان به چگونگی اداره محیطی که در آن زندگی می‌کنند، با افزایش ظرفیت‌های فردی و جمعی، مشارکت را تسهیل کرده و زمینه‌های دستیابی به توسعه را فراهم می‌آورد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۴ برگرفته از Mutler, 2007:27).

از سوی دیگر، دانش حقوقی می‌تواند فعالیت‌های مشارکت را ارتقا بخشد، چرا که این دانش، دیدگاه‌ها و مهارت‌ها را در اجرای صحیح قوانین و مقررات با ظرفیت‌های مختلف به کار خواهد گرفت و جامع انسانی را توانمند خواهد کرد. از این رو، برای توانمندسازی جامعه، پیشبرد اهداف توسعه و گسترش مشارکت شهروندان، آشنایی افراد با دانش حقوقی ضروری است (Wallner, 2003: 187). یکی از فاکتورهای مهمی که می‌تواند در این راستا راهگشا باشد و موانع بسیاری را از سر راه بردارد، مبحث دانش حقوقی است. دانش حقوقی، بحثی کیفی در تحقیقات علوم جغرافیایی است. برای تعریف دانش حقوقی، ابتدا باید ابعاد و اجزاء آن را بررسی کرد. برخی دانش را با داده، اطلاعات و آگاهی یکی می‌دانند، در حالی که هر کدام تعاریف خاص خودشان را دارند. داده‌ها، یک رشته واقعیت‌های عینی و مجرد در مورد رویدادها هستند. به دنبال آن، دانایی؛ فرایندی است که در ذهن شکل گرفته و سپس باعث ایجاد فهم می‌شود و جنبه کاربردی می‌یابد. در مراحل برتر دانایی، توان تحلیل اطلاعات و ترکیب اندوخته‌های جدید با آنچه که از قبل در ذهن داشته‌ایم را به ما می‌دهد، و در نهایت امر به یاد گیرنده قدرت ارزیابی و انتقاد می‌دهد و به تعبیری در گرایشات و رفتار، عامل دانایی، اثرگذار است. در واقع بنیان و اساس هر رفتار، آگاهی و شناخت از کم و کیف آن رفتار است. این مسأله در انطباق کامل با این حکم کلی است که بیان می‌دارد «آگاهی، پیش درآمد عمل توام با اطلاع» است. همین مطلب را می‌توان به صورت مثال چنین مطرح کرد که معمولاً داده‌ها را در پرونده‌های آماری و مبادلات، اطلاعات را در پیام‌ها، و دانش را از افراد یا گروه‌های آگاه و روندهای سازمانی به دست می‌آوریم (رجب‌پور صادقی، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۷۰ به نقل از پور طاهری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۷-۴۸).

در نتیجه، دانش حقوقی، فرصتی برای تکامل انسان مدنی، از طریق رشد توانایی‌های وی، برای مشارکت کامل در ارزیابی و تنظیم مجدد چارچوب‌های مدنی و فرهنگی است. حقوق، جایگاه اجتماعی و نقش‌های مختلف را در قانون و در عمل از طریق نهادها، سازمان‌ها و تعامل‌های اجتماعی تعریف می‌کند (رجب‌پور صادقی، ۱۳۸۵: ۱۶۹ به نقل از پور طاهری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸). بر این اساس نظریه ظرفیت‌سازی^۱ در تلاش است افراد با شناخت توان‌های بالقوه و بالفعل خود حقوق مدنی خود را مطالبه کنند و با سازمان‌دهی‌های مدنی در پی انجام تغییرات توسعه‌ای برای ایجاد فرصت در بخش‌های عمومی و خصوصی باشند. در واقع ظرفیت‌سازی فرایندی است که از طریق نهادسازی جامعه را تشویق به استفاده از امکانات موجود می‌کند و آن‌ها را توانمند می‌سازد. زمانی از ظرفیت جامعه به حد کمال استفاده می‌شود که نظام‌های دانش یک جامعه با فعالیت‌های تولیدی، خدماتی و ساختارهای اجتماعی موجود انسجام و همخوانی داشته باشد (افتخاری و رجب‌پور صادقی، ۱۳۸۷: ۶۰).

در این میان دانش حقوق توسعه‌ای با ارتباط با نهادسازی توسعه‌ای افراد را در سپهر زندگی خود توانمند می‌سازد. هم‌اکنون رویکردهای توسعه روستایی همه جانبه و عموماً ویژگی‌های کیفی توسعه که به دنبال نفوذ پارادایم‌های جدید توسعه همانند پایداری، مشارکت خودجوش و آگاهانه، خودآگاهی، آگاهی‌های محیطی، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی قوت گرفته و رواج یافته است، در کانون توجه قرار گرفته است (Mahmud et al, 2011: 612).

^۱. Capacity Building

توانمندسازی^۱ از مولفه‌های اصلی پارادایم جدید توسعه و از عناصر اصلی بازنگری در مفهوم آن است. توانمندسازی به معنای ایجاد قدرت قانونی، یا به سخن دیگر، سرمایه‌گذاری به منظور تقویت قدرت قانونی، برای تواناسازی و تفویض اختیار به مردم است. دلالت مستقیم توانمندسازی مقابله با عوامل بی‌قدرتی است. بی‌قدرتی نه تنها به ایجاد فقر منجر می‌شود، بلکه محصول اصلی و مستقیم آن است. جلوه‌های اصلی بی‌قدرتی عبارتند از: ۱. نداشتن قدرت اقتصادی که همان فقر مادی است. ۲. نداشتن قدرت تصمیم‌گیری که به معنای فقر سیاسی و معنوی است. ۳. نداشتن قدرت انتخاب که به معنای فقر فرهنگی و ناآگاهی است (چمبرز، ۱۳۷۵ به نقل از صالحی، ۱۳۹۱: ۵۰).

در واقع توانمندسازی به عنوان ظرفیتی برای خوداتکایی و اعتماد به نفس در مقابل وابستگی است. این فرایندی است که از طریق آن اشخاص، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های به حاشیه رانده شده، می‌توانند سازمان خود را تقویت کنند و خودشان را از تسلط ایجاد شده توسط ساختارها یا روابط آزاد کنند (Sharma and Kirkman, 2015:199). در ادبیات توسعه، مفهوم توانمندسازی به منظور مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی از دو جنبه و رویکرد بررسی شده است: الف) رویکرد انگیزشی توانمندسازی؛ در این رویکرد، هدف تواناسازی و تقویت خودباوری است (ب) رویکرد شناختی توانمندسازی؛ این رویکرد، توانمندسازی را به طور وسیع‌تر به مثابه یک حالت انگیزش درونی درارتباط با شغل تعریف می‌کند که شامل چهار احساس درونی است: ۱. معنی داربودن: یعنی این که فرد وظیفه‌ای را که انجام می‌دهد با معنی و ارزشمند تلقی کند. ۲. شایستگی: شایستگی یا خودباوری، اعتقاد فرد به

^۱. Empowerment

توانایی و ظرفیت خود برای انجام کار است. ۳. تأثیر: عبارت از حدی که در آن فرد توانایی نفوذ در پیامدهای کار خود را دارا است. ۴. خودتعیینی: یا حق انتخاب یک احساس فردی در مورد حق انتخاب برای تنظیم فعالیت ها است. در حالی که شایستگی یک مهارت رفتاری است. همچنین، به آزادی عمل شاغل در تعیین فعالیت های لازم برای انجام وظایف شغلی اطلاق می گردد. ۵. اعتماد: در نهایت اعتماد به معنی آن است که افراد احساس کنند که با آن ها منصفانه و یکسان برخورد خواهد شد (Fernandez and Moldogaziev, 2015: 376-377).

بر مبنای دیدگاه صاحب نظران توسعه، مفهوم توانمندسازی با مفهوم ظرفیت سازی ارتباط نزدیکی دارد. ظرفیت سازی، فرآیندی دائمی، قابل انعطاف، تأثیرپذیر و پاسخگو است که تمام بازیگران را شامل می شود. ظرفیت سازی بخشی از یک مفهوم چندسویه است که معانی متفاوتی را نظیر قادر سازی، مشارکت، حمایت، تمرکززدایی و خصوصی سازی را مطرح می کند. تعریف هر یک از این مفاهیم از دیدگاه ظرفیت سازی به عنوان یک فرایند یا الگو و تلاش برای نزدیک شدن به یک تعریف از این مفهوم، نظر را معطوف به مسئله قدرت و انتقال قدرت می کند. بدیهی است پیش از هرگونه اقدام جهت ارائه تعریف عملی باید درکی از شرایط ذهنی والگویی مواجه دولت و نیز دولت محلی با مفهوم انتقال قدرت به دست آورد. برای نیل به اثرات مثبت ظرفیت سازی باید هر سه جنبه توسعه منابع انسانی، توسعه نهادی و توسعه سازمانی را مدنظر قرارداد (Amundsen & Martinsen, 2015: 308). برای توانمندسازی باید به عواملی مانند دانش و یا آموزه های مهارتی سازمان ها، روش های مناسب، عضویت در یک سازمان، اعتبارات خرد، اعتماد به نفس افراد، تحصیلات، دسترسی به منابع و حمایت سیاسی توجه نمود (Rossberger & Krause, 2015: 25). در واقع به واسطه

توانمندسازی، توسعه و توسعه پایدار منجر به آگاهی می‌شود. به طوری که با ارتقاء سطح توسعه یافتگی آگاهی نیز بیشتر خواهد شد.

به‌طور کلی آگاهی بینشی است که مدیران با بهره‌گیری از اطلاعات، نسبت به موضوعات مورد نظر پیدا می‌کنند و به کمک آن می‌توانند درباره آن موضوع تصمیم بگیرند (طالقانی، ۱۳۸۲: ۴۸). به‌طور کلی در جوامع مختلف، بالابردن سطح دانش و اطلاعات عمومی در تمام زمینه‌ها از جمله حقوق فردی و قوانین شهری و روستایی یکی از وظایف و عملکردهای مهم دولت در قبال جامعه است. در صورت نبود دانش حقوقی در این زمینه‌ها به راحتی می‌توان دریافت که سیاست‌ها و برنامه‌ها و ضوابط قانونی در خلاء آگاهی عمومی، به نتایج قابل توجهی نخواهد رسید (صفائی‌پور و پیری، ۱۳۹۴: ۱۲).

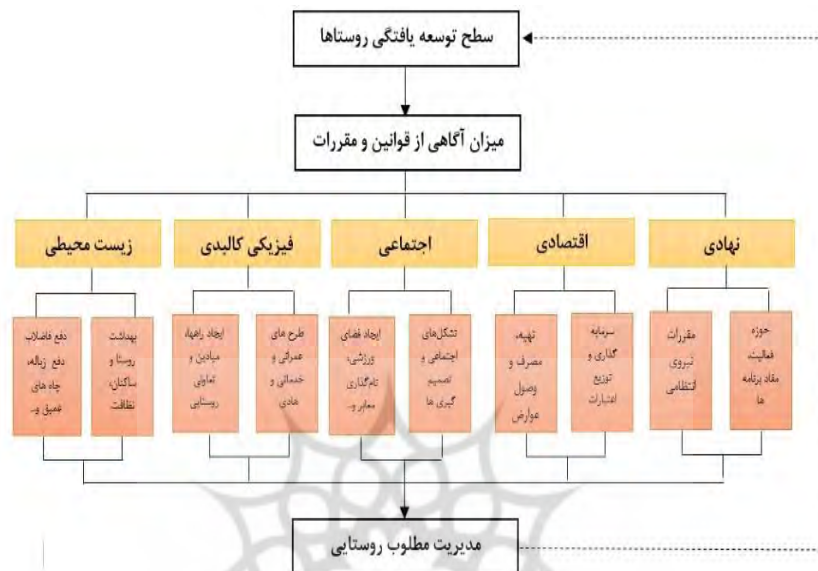
مدیریت به‌عنوان فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل تعریف شده که برای دستیابی به اهداف مدیریتی و سازمانی و بر اساس نظام ارزشی و معیارهای مورد قبول صورت می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۸۰: ۱۴) و مدیریت نوین به‌عنوان مجموعه‌ای از سیستم‌های سازماندهی محیط کار، پیشنهادات و اطلاع‌رسانی سریع که بر اساس تفکر بهبود مستمر استقرار یافته و به منظور افزایش بهره‌وری فعالیت می‌نماید، تعریف شده است (مهدوی و کریمی‌پور، ۱۳۹۱: ۴).

مدیریت روستایی عبارتست از مدیریت منطقی منابع انسانی و طبیعی در محیط‌های روستایی برای نیل به هدف پایداری اجتماعات محلی و زیست‌محیطی بر اساس فرایندهای علمی و مدیریتی. تعریف ذکر شده در برگیرنده فاکتورهای زیر است:

- تاکید بر منابع انسانی به عنوان مهم ترین فاکتور مدیریت و توسعه روستایی که در خود آموزش جوامع محلی، استفاده بهینه از استعدادها و دانش بومی را مستتر دارد؛
 - استفاده منطقی و پایدار از منابع در دسترس جوامع محلی که در آن نکات توسعه پایدار به نحو احسن رعایت گردد؛
 - استفاده از اصول علمی نوین مدیریتی و به نحوی ترکیب آن با دانش بومی و تجربیات سنتی مدیریت روستایی که سازگارتر با جوامع محلی و شرایط زیست محیطی باشد (بدری، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۵).
- در زمینه تبیین نقش میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات در ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی مطالعاتی به طور مستقیم صورت نگرفته، اما در چند دهه اخیر، در زمینه جایگاه دانش حقوقی مردم و مدیران و همچنین مقالاتی در مورد دهیاران و سنجش عملکرد آنها پژوهش‌هایی صورت گرفته است که در مجموع می‌توان به نتایج همچون وجود رابطه معنادار بین مدیریت روستایی و عملکرد دهیاری از نظر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-زیست محیطی و نهایتاً ایفای نقش موثر در توسعه روستایی (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۷۴)، رابطه عملکرد مدیران محلی روستاها و ارتقای شاخص‌هایی مانند میزان مشارکت مردم، شرکت دهیاران در کلاس‌های آموزشی (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱-۱۵)، ایفای نقش مؤثر در بهبود اوضاع کالبدی- فیزیکی روستا (مهدوی و نجفی کانی، ۱۳۸۴: ۲۱-۳۹)، امکان‌پذیری نهادینه کردن مشارکت زنان در همه ابعاد جامعه در جهت توسعه در بسیاری از حوزه‌ها از جمله سازمان‌ها از طریق ارتقای دانش به صورت عام و دانش حقوقی به شکل خاص و مآلاً تایید وجود رابطه معنی‌دار میان سطح دانش حقوقی افراد و

مشارکت سازمانی آنان (افتخاری و رجب‌پورصادقی، ۱۳۸۷: ۵۵-۷۴)، تحلیل عملکرد دهیاران در حوزه مدیریت پسماند سکونتگاه‌های روستایی (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷۵-۲۹۸)، لزوم توجه به سازوکارهای نهادی از جمله بازنگری در اندیشه‌ها، شیوه‌های برنامه‌ریزی، قوانین، رویه‌ها، سبک‌ها و شیوه مدیریت و حکمرانی و تأکید بر ایجاد و تقویت نهادهای بومی، محلی و مدنی از طریق خوشه‌ای و شبکه‌ای کردن آن‌ها (بدری، ۱۳۹۰: ۱۴۷-۱۸۰)، وجود رابطه معنادار بین دانش حقوقی و میزان رفاه اجتماعی و نیز تاثیر آگاهی از حقوق فردی و شهروندی بر رفاه اجتماعی به ویژه در میزان رضایت از خدمات و میزان مشارکت روستائیان (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۵-۶۳)، تأکید بر شاخص عمرانی به دلیل بالاتر بودن درجه اهمیت آن ضرورت توجه به ارتقای توان تخصصی و مهارتی دهیاران (شیخی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷-۳۲) اشاره نمود.

مبتنی بر مبانی نظری، رویکرد نظری پژوهش حاضر بر اساس مدل مفهومی پژوهش و در قالب دو فرض اصلی پژوهش (وجود رابطه بین میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات و ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی و نیز برقراری رابطه معنادار بین سطح توسعه یافتگی روستاها و میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات و ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی) و فرایند اثرگذاری و اثرپذیری میان آن‌ها ارائه شده است (شکل ۱).



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

مواد و روش ها

تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و به صورت بررسی کمی و میدانی به مطالعه میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات در ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی در شهرستان طارم پرداخته است. انتخاب و تبیین مؤلفه ها و شاخص های پژوهش با توجه به ادبیات موضوع صورت گرفت. به طوری که برای مؤلفه اثرگذار (میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات) و مؤلفه اثرپذیر (مدیریت مطلوب روستایی) تعداد پنج مؤلفه و چهار شاخص سنجیده شد (جدول ۱). جامعه آماری این پژوهش، شامل ۱۰۲ سکونتگاه است که از این تعداد ۶۰ روستا دارای دهیار بوده اند. بر این اساس به تمام روستاهای دارای دهیاری پرسشنامه ارسال شد که در نهایت حدود ۶۴ درصد به صورت کامل و صحیح تکمیل و عودت داده شد.

جدول ۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش حاضر

مؤلفه	شاخص
فیزیکی و کالبدی	قوانین طرح‌های عمرانی و خدماتی در محدوده روستا؛ دستورالعمل‌های مربوط به تهیه و اجرای طرح‌های هادی؛ قوانین و مقررات مربوط به طرح‌های هادی؛ قوانین ایجاد بنا و تاسیسات و تفکیک اراضی در محدوده قانونی روستا؛ تصمیم‌گیری‌ها در زمینه فعالیت‌های عمرانی روستا؛ قوانین ایجاد راه‌ها و میادین؛ قوانین و مقررات کاربری‌ها و نحوه ساخت و ساز در روستا؛ قوانین مربوط به دادن پروانه ساخت به خانه‌های ایمن؛ حقوق و مقررات تعاونی روستایی؛ تامین اراضی مورد نیاز مرتبط با اهداف و وظایف دهیاری
نهادی	مقررات عمومی مربوط به مسایل روستا؛ حوزه فعالیت، مفاد برنامه‌ها و تصمیمات شورای دهستان و بخشداری؛ بنیاد مسکن؛ وزارت جهاد کشاورزی؛ نهادهای محلی موجود در روستا؛ توانایی برای روبرو شدن با مسایل مختلف روستا؛ انجام اقدامات لازم در زمینه رعایت سیاست‌های دولت؛ قوانین اجرای مقررات خدمت و وظیفه عمومی و نیروی انتظامی
اقتصادی	وضعیت سرمایه‌گذاری و توزیع اعتبارات در روستا؛ تشکلهای اقتصادی مردم‌نهاد؛ قوانین مربوط به تهیه تعرف و نحوه دریافت و نحوه مصرف عوارض در روستا؛ قوانین وصول عوارض مصوب مراجع قانونی و مصرف آن؛ برآورد، تنظیم و ارائه بودجه سالانه دهیاری و متمم و اصلاح آن؛ تصمیم‌گیری در زمینه فعالیت اقتصادی
اجتماعی	حوزه فعالیت تشکلهای اجتماعی و تشکلهای غیررسمی موجود در روستا؛ تصمیم‌گیری در زمینه فعالیت اجتماعی روستا؛ معرفی خانواده‌های بی‌سرپرست و بی‌بضاعت به کمیته امداد و بهزیستی؛ قوانین ایجاد فضای ورزشی، فرهنگی و گردشگری؛ قوانین نام‌گذاری معابر و اماکن و تاسیسات روستا
محیط زیستی	قوانین مربوط به بهداشت روستا و محیط زندگی مردم؛ مقررات مربوط به نظافت خیابان‌ها و نهرهای داخل روستا؛ قوانین حفاظت از محیط‌زیست و تنوع زیستی (گونه‌های در معرض انقراض)؛ قوانین دفع فاضلاب، دفع زباله و جمع‌آوری پسماند؛ قوانین ایجاد تاسیسات حفاظتی (سیل‌بند و مانند آن)؛ قوانین نحوه احداث چاههای عمیق و نیمه عمیق؛ قوانین حفظ و نگهداری منابع طبیعی واقع در محدوده قانونی و حریم روستا؛ قوانین مراقبت بر بهداشت ساکنان روستا و تشریک مساعی با وزارت بهداشت؛

برای سنجش روایی صوری (اعتبار) ابزار پژوهش، با استفاده از روایی صوری، مبتنی بر نظرات خبرگان امر مورد تایید قرار گرفت (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۳۲) و پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تعیین و تایید شد (جدول ۲).

جدول ۲. مقدار ضریب آلفای کرونباخ در راستای تعیین پایایی ابزار پژوهش

مفهوم	میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات	ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی
کل	۰/۹۱۴	۰/۹۶۲
نهادی	۰/۷۱۴	۰/۸۷۹
فیزیکی - کالبدی	۰/۷۶۹	۰/۸۵۵
اجتماعی	۰/۶۵۹	۰/۶۸۰
اقتصادی	۰/۶۹۳	۰/۷۹۰
محیط زیستی	۰/۸۵۱	۰/۸۹۶

برای تبیین و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و برای تعیین ارتباط بین مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. براساس یکی از سوالات پژوهش در مورد وجود رابطه بین سطح توسعه یافتگی روستاها و میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات و ارتقاء مدیریت مطلوب، تعیین سطح توسعه یافتگی روستاها، با ۳۵ شاخص و بر اساس مدل تاپسیس^۱ انجام شد (جدول ۳).

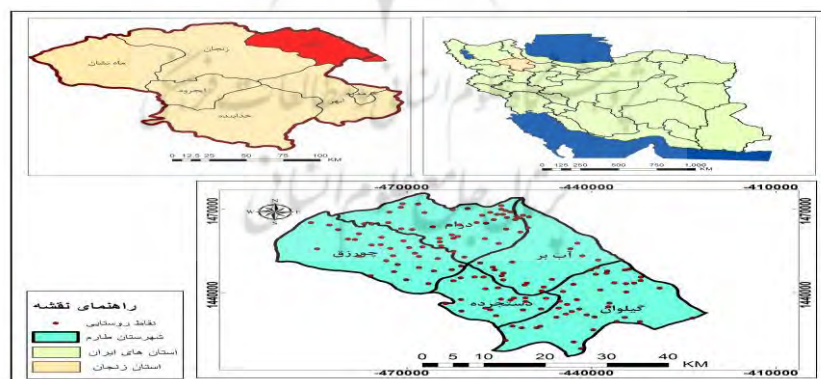
جدول ۳: شاخص‌های مورد استفاده در سطح بندی روستاها بر اساس مدل تاپسیس

۱. روستا مهدی ۲. دبستان ۳. مدرسه راهنمایی پسرانه ۴. مدرسه راهنمایی دخترانه ۵. مدرسه راهنمایی مختلط ۶. دبیرستان نظری پسرانه ۷. دبیرستان نظری دخترانه ۸. کتابخانه عمومی ۹. زمین ورزشی ۱۰. سالن ورزشی ۱۱. راه روستایی ۱۲. پاسگاه نیروی انتظامی ۱۳. مرکز خدمات جهاد کشاورزی ۱۴. مروج کشاورزی ۱۵. شرکت تعاونی روستایی ۱۶. سامانه تصفیه آب ۱۷. مرکز بهداشتی درمانی ۱۸. داروخانه ۱۹. خانه بهداشت ۲۰. پایگاه بهداشت روستایی ۲۱. بهیار یا ماما روستایی ۲۲. بهورز ۲۳. فروشگاه تعاونی ۲۴. بانک ۲۵. صندوق پست ۲۶. دفتر پست ۲۷. دفتر مخابرات ۲۸. دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) روستایی ۲۹. دسترسی عمومی به اینترنت ۳۰. دسترسی به وسیله نقلیه ۳۱. درصد باسوادی کل ۳۲. درصد باسوادی مرد ۳۳. درصد باسوادی زن ۳۴. درصد اشتغال کل ۳۵. دسترسی به روزنامه و مجله

^۱. TOPSIS

قلمرو جغرافیایی محدوده مطالعه شده

شهرستان طارم به مرکزیت شهر آب‌بر، یکی از شهرستان‌های هشتگانه استان زنجان است. که در شمال استان واقع شده و با استان‌های گیلان و قزوین و اردبیل همسایه است. این شهرستان شامل ۲ بخش، دو شهر، پنج دهستان و ۱۵۵ آبادی که ۱۰۲ آبادی از آن دارای سکنه‌اند. شهرستان طارم در شمال استان زنجان در مدارهای جغرافیایی ۴۸ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۱۴ دقیقه طول جغرافیایی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۶ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۱۳ دقیقه عرض جغرافیایی از خط استوا قرار گرفته است. طارم به معنای ((تالار سرسبز)) است. این شهرستان به علت خرمی و سرسبزی به این نام نامیده شده است. شهرستان طارم به هندوستان ایران معروف است. این شهرستان با مساحتی بالغ بر ۲۲۳۵ کیلومتر مربع حدود ۱۰ درصد مساحت کل استان و ۰/۱۳۵ درصد از کل مساحت کشور را داراست جمعیت این شهرستان در آخرین سرشماری، سال ۹۰ به ۴۶۶۱۶ نفر بوده است (شکل ۲) (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان، ۱۳۸۶:۸۶).



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی محدوده مطالعه شده

یافته‌های پژوهش، نشان داد که دهیاران مورد مطالعه بین ۲۲ تا ۳۸ سال دارند. از کل دهیاران، میزان ۹۲/۱ درصد مرد و معادل ۷/۹ درصد زن هستند. به طور کلی از ۳۸ دهیار مورد مطالعه ۳۵ دهیار مرد و ۳ دهیار زن بودند که نشان‌دهنده تفاوت آشکار در میزان دهیاران مرد و زن است. همچنین ۳۳ نفر (۸۶/۸ درصد) آن‌ها متأهل و ۵ نفر (۱۳/۲ درصد) مجرد هستند که نشان‌دهنده اعتماد و ترجیح روستاییان و شوراهای به افراد متأهل برای دهیاری است. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان ۲/۶ درصد دهیاران دارای تحصیلات کمتر از دیپلم، حدود ۶۰/۵ درصد دارای تحصیلات دیپلم، میزان ۳۱/۶ درصد تحصیلات لیسانس و ۵/۳ درصد تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر دارند که نشان می‌دهد سطح سواد دهیاران مورد مطالعه در سطح متوسط به بالایی قرار دارد که حدود ۶۵/۸ درصد دهیاران کشاورز، ۱۳/۲ درصد خدمات عمومی، ۲/۶ درصد مغازه دار، ۲/۶ درصد معلم، ۲/۶ درصد کارمند دولت و ۱۳/۲ درصد سایر شغل‌ها، که شغل اصلی دهیاران بوده است. همچنین ۳۳ دهیاری (۸۶/۸ درصد) به صورت پاره وقت و تنها ۵ دهیاری (۱۳/۲ درصد) به صورت تمام وقت فعالیت دارد.

به طور میانگین دهیاران مورد مطالعه در ۱۰ کارگاه آموزشی شرکت کرده اند که کمترین شرکت در کارگاه‌های آموزشی ۱ عدد و بیشترین تعداد ۳۷ کارگاه است که به طور کلی دهیاران روستاهایی که نزدیک به مراکز بخش هستند در کارگاه‌های بیشتری نسبت به روستاهایی که دورتر از مراکز بخش‌ها هستند، شرکت کرده اند. ۵۰ درصد دهیاران معتقدند که این کارگاه‌ها به میزان بالایی، ۳۱/۶ درصد تا اندازه‌ای، ۱۵/۸ درصد بسیار بالا و ۲/۶ درصد به میزان کمی در آگاهی آن‌ها در قوانین و مقررات روستایی روستایی تاثیر گذار بوده است. همچنین دهیاران مورد مطالعه

معتقدند که این کارگاه‌ها به میزان ۴۴/۷ درصد زیاد، ۳۶/۸ تا اندازه‌ای، ۱۵/۸ درصد بسیار زیاد و ۲/۶ درصد به میزان کمی در ارتقاء کارآیی و مدیریت مطلوب آن‌ها موثر بوده است.

مؤلفه میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات مطابق جدول ۱ از طریق پنج شاخص و گویه‌های مربوط به آن ارزیابی شده و مدیریت مطلوب روستایی پنج مؤلفه سنجیده شده است. به گونه‌ای که نماگرهای متغیر مستقل و وابسته مدیریت مطلوب روستایی به صورت رتبه‌ای (طیفی لیکرت از مقدار ۱ خیلی کم تا مقدار ۵ خیلی زیاد) از ترکیب میانگین پاسخ‌های ساکنان روستایی نمونه تصادفی حاصل شد. به منظور تحلیل رابطه بین پنج مؤلفه میزان آگاهی از قوانین و مقررات و پنج مؤلفه متغیر مدیریت مطلوب روستایی ناحیه مورد مطالعه، از رگرسیون چند متغیره (جدول شماره ۴) استفاده شد.

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی متوسطی ($R = ۰/۲۰۱$) بین میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات فیزیکی - کالبدی با مدیریت مطلوب فیزیکی - کالبدی روستایی وجود دارد. مقدار $R^2 = ۰/۰۴۰$ نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین (میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات فیزیکی - کالبدی روستایی) تأثیر کمی در تبیین تغییرات مشاهده شده در مدیریت مطلوب فیزیکی - کالبدی روستایی داشته است. ضریب بتا $Beta = ۰/۲۰۱$ جهت مثبت و رابطه مثبت بین دو متغیر را نشان می‌دهد. این بدان معنی است که با افزایش آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات فیزیکی - کالبدی، مدیریت مطلوب فیزیکی - کالبدی روستایی نیز بهبود می‌یابد. ضریب $B = ۰/۳۱۵$ حاکی از این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پیش‌بین (میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات فیزیکی - کالبدی)، $۰/۳۱۵$ واحد به متغیر در مدیریت مطلوب

فیزیکی_ کالبدی روستایی افزوده می‌شود. در مورد معنی دار بودن رابطه فوق با توجه به مقدار $Sig = ۰.۲۲۶$ رابطه فوق معنی دار نیست. در عین حال، بر اساس نتایج حاصله، همبستگی بالا و مثبتی ($R = ۰/۵۳۹$) بین میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات نهادی با مدیریت مطلوب نهادی روستایی وجود دارد. مقدار $R^2 = ۰/۲۹۱$ نشان می‌دهد که متغیر پیش بین (میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات نهادی) تاثیر زیادی در تبیین تغییرات مشاهده شده در مدیریت مطلوب نهادی روستایی داشته است. در واقع متغیر پیش بین توانسته است $۲۹/۱$ درصد از تغییرات درونی مدیریت مطلوب نهادی روستایی را تبیین کند. در مورد معنی دار بودن رابطه فوق با توجه به مقدار $Sig = ۰/۰۰۰$ رابطه فوق با ۹۹ درصد اطمینان معنی دار است. همچنین بر اساس نتایج حاصله، همبستگی متوسط به بالا و مثبتی ($R = ۰/۳۸۱$) بین میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات اجتماعی با مدیریت مطلوب اجتماعی روستایی وجود دارد. مقدار $R^2 = ۰/۱۴۵$ نشان می‌دهد که متغیر پیش بین (میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات اجتماعی) تاثیر متوسط به بالایی در تبیین تغییرات مشاهده شده در مدیریت مطلوب اجتماعی روستایی داشته است. در واقع متغیر پیش بین توانسته است $۱۴/۵$ درصد از تغییرات درونی مدیریت مطلوب اجتماعی روستایی را تبیین کند. در مورد معنی دار بودن رابطه فوق با توجه به مقدار $Sig = ۰/۰۱۸$ رابطه فوق با ۹۵ درصد اطمینان معنی دار است. در عین حال بر اساس نتایج حاصله، همبستگی متوسط به بالا و مثبتی ($R = ۰/۳۸۰$) بین میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات اقتصادی با مدیریت مطلوب اقتصادی روستایی وجود دارد. مقدار $R^2 = ۰/۱۵۲$ نشان می‌دهد که متغیر پیش بین (میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات اقتصادی) تاثیر متوسط به بالایی در تبیین تغییرات مشاهده شده در مدیریت مطلوب اقتصادی روستایی داشته

است. در واقع متغیر پیش بین توانسته است ۱۵/۲ درصد از تغییرات درونی مدیریت مطلوب اقتصادی روستایی را تبیین کند. در مورد معنی دار بودن رابطه فوق با توجه به مقدار $Sig = ۰/۰۱۶$ رابطه فوق با ۹۵ درصد اطمینان معنی دار است. نهایتاً بر اساس نتایج حاصله، همبستگی متوسط و مثبتی ($R = ۰/۲۸۶$) بین میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات محیط‌زیستی با مدیریت مطلوب محیط‌زیستی روستایی وجود دارد. مقدار $R^2 = ۰/۰۸۲$ نشان می‌دهد که متغیر پیش بین (میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات محیط‌زیستی) تاثیر متوسطی در تبیین تغییرات مشاهده شده در مدیریت مطلوب محیط‌زیستی روستایی داشته است. در مورد معنی دار بودن رابطه فوق با توجه به مقدار $Sig = ۰/۰۸۲$ رابطه فوق معنی دار نمی‌باشد، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

جدول ۴. نقش مؤلفه‌های میزان آگاهی دهیاران از قوانین در ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی

Sig	F	t	Beta	ضرب B	R2	R	متغیر وابسته (مدیریت مطلوب روستایی)	متغیر مستقل (میزان آگاهی دهیاران از قوانین)
۰/۲۲۶	۱/۵۱۸	۱/۲۳۲	۰/۲۰۱	۰/۳۱۵	۰/۰۴۰	۰/۲۰۱	فیزیکی- کالبدی	فیزیکی- کالبدی
۰/۰۰۰	۱۴/۷۴۱	۳/۸۳۹	۰/۵۳۹	۰/۸۵۷	۰/۲۹۱	۰/۵۳۹	نهادی	نهادی
۰/۰۱۸	۶/۱۰۷	۲/۴۷۱	۰/۳۸۱	۰/۴۱۶	۰/۱۴۵	۰/۳۸۱	اجتماعی	اجتماعی
۰/۰۱۶	۶/۴۵۰	۲/۵۴۰	۰/۳۸۰	۰/۴۳۶	۰/۱۵۲	۰/۳۸۰	اقتصادی	اقتصادی
۰/۰۸۲	۱/۱۹۵	۱/۷۸۸	۰/۲۸۶	۰/۳۱۵	۰/۰۸۲	۰/۲۸۶	محیط زیستی	محیط زیستی

از نظر رابطه سطح توسعه‌یافتگی روستاها و میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات، آزمون آماری نشان می‌دهد که با افزایش در سطح توسعه‌یافتگی روستاها، آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات روستایی نیز به میزان بالایی (۰/۴۵۹) افزایش می‌یابد. در واقع با توجه به سطح معنی‌داری ($sig=۰/۰۰۴$)، وجود این رابطه با ۰/۹۹ اطمینان قابل پذیرش خواهد بود (جدول ۵).

جدول ۵- رابطه سطح توسعه یافتگی روستاها و میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات

میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات		متغیر مستقل
سطح معنی داری	مقدار همبستگی	سطح توسعه یافتگی روستاها
۰/۰۰۴	۰/۴۵۹	

از سوی دیگر بر اساس یافته‌های تحقیق، رابطه مثبتی بین دو سطح توسعه یافتگی روستاها و ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی وجود دارد. به این معنا که با بالا رفتن سطح توسعه یافتگی روستاها، مدیریت مطلوب روستایی نیز به میزان قابل قبولی (۰/۳۴۴) بهبود می‌یابد. در واقع با توجه به سطح معنی داری (sig=۰/۰۳۵)، با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان گفت همبستگی نسبتاً قوی و رابطه معناداری بین سطح توسعه یافتگی روستاها و ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی وجود دارد (جدول ۶).

جدول ۶- رابطه بین سطح توسعه یافتگی روستاها و ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی

متغیر وابسته: مدیریت مطلوب روستایی		متغیر مستقل
سطح معنی داری	مقدار همبستگی	سطح توسعه یافتگی روستاها
۰/۰۳۵	۰/۳۴۴	

نتیجه گیری

نقش دانش و آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات روستایی در توسعه سکونتگاه های روستایی اهمیت بسیاری دارد. به طوری که پایین بودن دانش و آگاهی دهیاران از قوانین عملکردی خود به توسعه نمی‌انجامد. در واقع بالا رفتن دانش و آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات روستایی در نهایت منجر به مدیریت مطلوب آنها در امر مدیریت محلی می‌شود. یکی از مهمترین ابعاد توسعه روستایی و شاید بتوان گفت مهمترین بعد آن، مدیریت روستایی است که نقش بسیار مهمی در هماهنگی فعالیت‌های توسعه روستایی برعهده دارد. براین شالوده، پژوهش حاضر به بررسی

میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات در ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی در شهرستان طارم استان زنجان می‌پردازد. بدین منظور بین پنج مولفه میزان آگاهی و پنج مولفه مدیریت مطلوب روستایی سنجش رگرسیون چند متغیره صورت گرفت که بین سه مولفه نهادی، اجتماعی و اقتصادی میزان آگاهی از قوانین و مقررات و سه مولفه نهادی، اجتماعی و اقتصادی ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی رابطه معنادار و همبستگی نسبتاً قوی وجود داشت. به عبارت دیگر با افزایش سه مولفه میزان آگاهی از قوانین و مقررات، مدیریت مطلوب روستایی نیز به همان اندازه ارتقاء می‌یابد. همچنین سه مولفه نهادی، اجتماعی و اقتصادی توانسته‌اند به ترتیب ۲۹/۱ درصد، ۱۴/۵ درصد، ۱۵/۲ درصد از تغییرات درونی سه مولفه نهادی، اجتماعی و اقتصادی مدیریت مطلوب را تبیین کنند.

در عین حال بین دو مولفه فیزیکی- کالبدی و محیط‌زیستی میزان آگاهی از قوانین و مقررات و دو مولفه فیزیکی- کالبدی و محیط‌زیستی مدیریت مطلوب روستایی رابطه معناداری وجود ندارد.

از طرف دیگر تایید رابطه بین سطح توسعه یافتگی روستاها و میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات و مدیریت مطلوب روستایی، نشان می‌دهد که با بالا رفتن سطح توسعه یافتگی روستاها، میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات و همچنین مدیریت مطلوب روستایی نیز به میزان قابل قبولی بهبود می‌یابد. در واقع نتایج تحقیق نشان دادند که سطح توسعه یافتگی روستاها در بالا رفتن آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات روستایی و همچنین ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی تاثیر گذار است. بر این شالوده، توجه به میزان آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات به منظور توانمندسازی آنان در مدیریت محلی و مدیریت مطلوب روستایی و سطح توسعه یافتگی روستاها اولویت

می‌یابد و باعث ارتقاء پتانسیل‌های موجود در سکونتگاه‌های روستایی می‌شود. در واقع، ارتقاء و بهبود شاخص‌های توسعه روستایی و ارتقاء آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات عملکردی خود به مثابه یکی از راهبردهای اثرگذار، ضرورت دارد که مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی قرار گیرد و زمینه و زیرساخت‌های لازم برای تحقق آن فراهم شود.

بدین ترتیب، یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج حاصل از مطالعاتی چون: تقدیسی و همکاران (۱۳۹۰)، عنابستانی و همکاران (۱۳۹۱)، مهدوی و نجفی‌کانی، (۱۳۸۴)، پورطاهری و همکاران (۱۳۹۱) مطابقت دارد. براین شالوده، به افزایش آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات حوزه عملکردی خود به وسیله توانمندسازی و ظرفیت‌سازی آنان برای ارتقاء سطح مدیریت مطلوب و در نهایت ارتقاء سطح توسعه‌یافتگی روستاها تاکید می‌شود. همچنین ارتقاء شاخص‌های آگاهی دهیاران از طریق توسعه و بهبود عملکرد اجتماعی، اقتصادی، محیط زیستی، کالبدی- فیزیکی و نهادی موجب بهبود عملکرد مدیریت مطلوب محلی می‌شود. با بهبود عملکرد و افزایش آگاهی مدیران محلی در سطح روستا به تدریج شاهد ارتقاء سطح توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌های روستایی خواهیم بود. درواقع، ارتقاء و بهبود شاخص‌های آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات عملکردی خود برای دستیابی به مدیریت مطلوب محلی و در نهایت ارتقاء سطح توسعه‌یافتگی روستاها به مثابه یکی از راهبردهای اثرگذار، ضرورت دارد که مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی قرار گیرد و زمینه و زیرساخت‌های لازم برای تحقق آن فراهم شود.

بنابراین از آنجا که ارتقاء آگاهی دهیاران از قوانین و مقررات روستایی به ارتقاء مدیریت مطلوب روستایی کمک می‌کند، ضروری است برگزاری آموزش‌های دوره-

ای به ویژه ارتقای سطح دانش و آگاهی در حوزه حقوق و مقررات در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و کالبدی از سوی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها مورد تأکید قرار گیرد.



منابع

- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، رجب‌پور صادقی، اکرم، ۱۳۸۷، نقش دانش حقوقی زنان کارمند در فرایند مشارکت (زنان کارمند شاغل در وزارتخانه‌ها)، *پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۱، ۵۵-۷۴.
- بدری، سیدعلی، ۱۳۹۰، چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست‌های راهبردی، *فصلنامه رهنما سیاست‌گذاری*، دوره ۲، شماره ۱، ۱۴۷-۱۸۰.
- پورطاهری، مهدی، افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، رحمتی، مهدی، ۱۳۹۱، نقش دانش حقوقی در رفاه اجتماعی روستائیان، مطالعه موردی: دهستان میان کوه غربی - شهرستان پلدختر - استان لرستان، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، سال ۱۶، شماره ۴۲، ۴۵-۶۳.
- تقدیسی، احمد، سوری، فرشاد، صیدایی، اسکندر، کاظمی، زینب، ۱۳۹۰، بررسی و تحلیل میزان عملکرد دهیاران در مدیریت روستایی؛ مورد پژوهش: بخش کونانی شهرستان کوهدشت، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۲۸، ۱۵۷-۱۷۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۹۳، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چاپ بیستم، سمت، تهران.
- رضائیان، علی، ۱۳۸۰، *اصول مدیریت*، چاپ سیزدهم، انتشارات سمت، تهران.
- رضوانی، محمدرضا، ۱۳۹۰، *برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*، ویرایش جدید، چاپ چهارم، نشر قومس، تهران.
- زیاری، کرامت‌الله، شیخی، عبدالله، باقر عطاران، مرضیه، کاشفی دوست، دیمن، ۱۳۹۲، ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری، *پژوهش‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، دوره ۱، شماره ۱، ۵۵-۷۹.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳، سند زیر بخش مدیریت روستایی برنامه چهارم توسعه کشور.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۶، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان.
- شیخی، حجت، پریزادی، طاهر، ورمزیار، بیژن، ۱۳۹۲، بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی (مطالعه موردی: شهرستان همدان)، مجله برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال سوم، شماره ۳، (پیاپی ۱۰)، ۱۷-۳۲.
- صالحی، مریم، ۱۳۹۱، مشارکت‌های مردمی و نقش آن در طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی در راستای توسعه پایدار روستایی. مورد: دهستان چندار (بخش چندار، شهرستان ساوجبلاغ)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- صفائی پور، مسعود، پیری، فاطمه، ۱۳۹۴، سنجش میزان آگاهی عمومی ساکنان به حقوق و قوانین شهری نمونه موردی: محله عامری شهر اهواز، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۴۱، ۱۱-۲۲.
- طالقانی، محمد، ۱۳۸۲، مهندسی و مدیریت اطلاعات (مفاهیم، روش‌ها، کاربردها)، نشر کتیبه گیل، رشت.
- عنابستانی، علی اکبر، سجاسی قیداری، حمدالله، رئیسی، اسلام، ۱۳۹۴، تاثیر عملکرد دهیاران بر مدیریت پسماند در سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: بخش ساربوک، شهرستان قصرقند، پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۲، ۲۷۵-۲۹۸.
- عنابستانی، علی اکبر، مهدی جوانشیری، هراتی، ام‌البین، ۱۳۹۱، عوامل موثر بر عملکرد دهیاران و نقش آن در توسعه سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان خواف)، همایش ملی توسعه روستایی، رشت، دانشگاه گیلان.

- محمدی، فاطمه، ۱۳۸۵، آگاهی ماماها از قوانین و مقررات مامایی و ارتباط آن با برخی عوامل در استان قزوین، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، سال دهم، شماره ۲ (پای درپی ۳۹).
- مهدوی، داوود، کریمی‌پور، زیور، ۱۳۹۱، تدوین الگوی مطلوب مدیریت نوین توسعه روستایی ایران، *گاهنامه پژوهشی دانشگاه پیام نور استان چهارمحال و بختیاری*، شماره ششم، ویژه نامه علوم انسانی.
- مهدوی، مسعود، نجفی‌کانی، علی اکبر، ۱۳۸۴، دهیاری‌ها، تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران (مورد: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی)، *پژوهش‌های جغرافیایی*، سال ۳۷، شماره ۵۳، ۲۱-۴۰.
- موسوی، سیدعارف، رزندی، الناز، ۱۳۹۰، نقش و تناسب آموزش و توانمندسازی دهیاران در توسعه مدیریت نوین روستایی، *ماهنامه پژوهشی، دهیاری‌ها*، شماره ۳۵، ۴۱-۴۷.
- Amundsen, S., Martinsen, Ø. (2015), Linking Empowering Leadership to Job Satisfaction, Work Effort, and Creativity: The Role of Self-Leadership and Psychological Empowerment, *Journal of Leadership and Organizational Studie*, August 1, Vol 22, No.3, pp. 304-323.
- Sharma, P.N. and Kirkman, B.L., 2015, Leveraging leaders: A literature review and future lines of inquiry for empowering leadership research, *Group Organization Management*, Vol. 40, No. 2, pp. 193-237.
- Fernandez, Sergio & Moldogaziev, Tima, 2015, Employee Empowerment and Job Satisfaction in the U.S. Federal Bureaucracy: A Self-Determination Theory Perspective, *the American Review of Public Administration*, July 1, Vol. 45, No.4, pp. 375-401.
- Rossberger, R.J. and Krause, D.E. , 2015, Participative and team-oriented leadership styles, countries' education level, and national

innovation: The mediating role of economic factors and national cultural practices, *Cross-Cultural Research*, Vol. 49, No. 1, pp. 20-56.

- Mahmud, Simeen, Nirali M. Shah, and Stan Becker. (2011), Measurement of Womens empowerment in rural Bangladesh, *World Development*, Vol .40, No.3, pp. 610-619.

- Wallner, S.; Hunziker, M.; (2003). Do natural science experiments influence public attitudes towards environmental problems, *Global Environmental Change*, 13, 185-194.

